عکس: مهر

در پاسخ به واکنش کارشناسان منابع طبیعی و آبخیزداری به یک گزارش

رسانه بازوی منابع طبیعی است

> سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری به تنهایی از پس ساماندهی دام‌های مازاد برنمی‌آید. همان‌طور که از پس جلوگیری از قاچاق چوب در جنگل‌ها برنیامده است اما آیا سازمان منابع طبیعی، وظایف خود را به تمام و کمال به سرانجام رسانده است که از انتقاد کارشناسان متخصص گله‌مند است؟

یادداشت

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست‌بوم

واکنش کارشناسان منابع طبیعی کشور به گزارش «تخریب مراتع، زیر سم دام‌های غیر بومی» که در تاریخ ۱۰ اردیبهشت سال‌جاری در روزنامه ایران منتشر شد، ادامه دارد. بعد از گفت‌وگوی «ترحم بهزاد» مدیرکل دفتر امور مراتع سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور با «ایران» که یکی از دلایل ناموفق بودن خروج دام از جنگل‌ها را اعتبار بسیار اندک و عدم همکاری سایر دستگاه‌ها خواند و از کارشناسان راهکار خواست، علی خالوئی، کارشناس منابع طبیعی کاشان نیز در یادداشتی که برای روزنامه ارسال کرده است، مطالب عنوان شده توسط کارشناسان منتقد در این گزارش را دور از انصاف و خرد دانست. نه ترحم بهزاد و نه کارشناس منابع طبیعی کاشان هیچ‌کدام مسائل مطرح شده توسط کارشناسانی که با «ایران» گفت‌وگو کرده‌اند را رد نمی‌کنند، اما آنها گله‌مندند که چرا کارشناسان راهکار نمی‌دهند.

خالوئی نیز به نکته درستی اشاره می‌کند. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری به تنهایی از پس ساماندهی دام‌های مازاد برنمی‌آید. همان‌طور که از پس جلوگیری از قاچاق چوب در جنگل‌ها برنیامده است اما آیا سازمان منابع طبیعی، وظایف خود را به تمام و کمال به سرانجام رسانده است که از انتقاد کارشناسان متخصص گله‌مند است؟ خالوئی در این یادداشت به وضعیت معیشتی و اقتصادی سخت چوپان‌ها نیز اشاره می‌کند که اشاره درستی هم است. کارشناسان منتقد هم می‌گویند، همان وضعیت اقتصادی باعث بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و مراتع شده است؛ شکل واضح آن وجود میلیون‌ها دام مازاد در جنگل‌ها و مراتع است. هم مسئولان حال حاضر سازمان جنگل‌ها و هم کارشناسان منتقد بارها اعلام کرده‌اند تا زمانی که شغلی جایگزین برای دامداران ایجاد نشود و تا زمانی که معیشت جدید برای آنها تعریف نمی‌شود، نمی‌توان به موفقیت‌آمیز بودن خروج دام امیدوار بود. اصلاً هیچ طرحی که با معیشت جوامع محلی سر و کار دارد، چه در حوزه منابع طبیعی و چه در حوزه محیط زیست، بدون ایجاد شغل جایگزین به موفقیت نخواهد رسید که مثال بارز آن دریاچه ارومیه است. انتقال آب کانال زاب شاید نگذارد دریاچه بمیرد اما هرگز به احیای آن منجر نخواهد شد. آن روزها که آژیر قرمز مرگ دریاچه ارومیه به صدا درآمد، ابتدا کارشناسان پای طرح «نکاشت» و کور کردن بخش بزرگی از زمین‌های کشاورزی اطراف را پیش کشیدند، اما جامعه کشاورز آن در دو استان آذربایجان غربی و شرقی طرح را پس زدند؛ مقاومت اجتماعی. کارشناسان نیز طرح «به‌کاشت» را جایگزین «نکاشت» کردند. طرح اما موفق نشد چون بازار تازه‌ای برای محصول جدیدی که کشاورز باید می‌کاشت؛ ایجاد نشد. بخشی از ماجرای احیای دریاچه ارومیه به عهده سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری بود. حالا اگر کارشناسان خارج از چارت سازمان، برنامه ستاد احیا از جمله سازمان منابع طبیعی را نقد کنند، باید آن را بی‌انصافی و بی‌خردی دانست؟ آیا کارشناسان و رسانه‌ها حق ندارند بپرسند چند دهه برنامه خروج دام مازاد از جنگل‌ها ومراتع کشور چرا موفقیت‌آمیز نبود؟ ارتباط این سازمان با دانشگاه‌ها چگونه است که به گله‌مندی کارشناسان آن هم به عدم همکاری دانشگاه‌ها منجر می‌شود؟ مگر متولی اصلی حفاظت از مراتع و جنگل، سازمانی غیر از سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری است؟ پس نقش سازمان و کارشناسان آن چیست؟ غیر از آن است که کارشناسانی به استخدام این سازمان درآمده‌اند تا مسائل را آسیب‌شناسی کنند؟ نقش رسانه و کارشناسان مستقل در این ماجرا چیست؟ بیان همان مشکلاتی که منابع طبیعی، مراتع، جنگل‌ها و به تبع آن سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری با آن درگیر است. یکی از وظایف تعریف شده برای رسانه‌ها، ایجاد ارتباط و پلی بین کارشناسان مستقل، دانشگاهیان و سازمان‌های مرتبط است. گزارش‌های چاپ شده هم با همین هدف نوشته می‌شود. در جایی از یادداشت، خالوئی به نکته مهمی دیگر اشاره می‌کند که رسالت صفحه زیست بوم است. او می‌نویسد: «قطعاً عدم همکاری علمی دانشگاه و دانشگاهیان با سازمان منابع طبیعی به همان اندازه در مدیریت فعلی نقش‌آفرینی دارد که سازمان منابع طبیعی دارد.» دقیقاً به‌دلیل همین نقش‌آفرینی، خبرنگاران این روزنامه به سراغ کارشناسان می‌روند تا طرح مسأله کنند و راهکار بدهند. واکنش کارشناسان و مسئولان سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور به گزارش‌های صفحه زیست بوم روزنامه ایران اتفاق مبارکی است. روزنامه ایران سال گذشته برای نخستین‌بار در تاریخ ۲۸ ساله انتشار روزنامه، صاحب صفحه روزانه در حوزه منابع طبیعی، محیط زیست، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است؛ اتفاقی دیرهنگام اما ضروری. فرصتی برای اجماع نظر کارشناسان تا به راه‌حلی مطمئن برای حفظ داشته‌های طبیعی و تاریخی ایران منجر شود.

رسالت این صفحه، مقصریابی نیست، دنبال راه‌حل است؛ راه‌حلی اطمینان‌بخش. هر کارشناس حرفه‌ای و دلسوزی می‌داند که رسانه‌ها بازوی سازمان‌هایی چون منابع طبیعی و محیط زیست هستند؛ سازمان‌هایی که نه تنها برای دولت‌ها درآمدزایی ندارند که هزینه‌زا نیز هستند و مدام باید به‌دنبال بودجه باشند. قدرت در تصمیم‌گیری‌ها ندارند چون طرح‌های اقتصادی آنها را سدی در مقابل توسعه می‌دانند؛ البته توسعه غیر پایدار. وظیفه رسانه‌ها یادآوری این نکته است که سرمایه‌گذاری دولت‌ها در منابع طبیعی و محیط زیست، دقیقاً امنیت غذایی و امنیت سیاسی یک کشور را تضمین می‌کند. بله تلخ است که بودجه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری یا سازمان حفاظت محیط زیست کشور به اندازه بودجه یک سد نیست اما این موضوع را جز کارشناسان و رسانه‌ها چه کسی امروز فریاد می‌زند؟

سازمان منابع طبیعی نیاز به انتقاد بیشتری دارد تا راهکاری که روی میز اجرا می‌رود، به احیای منابع طبیعی و جلوگیری از تخریب آن منجر شود. بنابراین فرصتی برای آزمون و خطا نیست. برای مثال یکی از راهکارهای سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری برای جلوگیری از تخریب جنگل، تشویق اهالی به فروش قارچ «ترافل» بود که امروز برداشت بی‌رویه قارچ ترافل به یکی از عوامل تخریب جنگل‌ها منجر شده است. سازمان منابع طبیعی برداشت این قارچ را ممنوع کرده است اما قانون نتوانسته جلوی برداشت آن را توسط بومی‌ها بگیرد. این راهکار تنها اشتباه کارشناسی سازمان منابع طبیعی نیست. انتقادهای کارشناسی و دلسوزانه فرصتی است برای جلوگیری از اشتباه‌های گذشته؛ غنیمت بشماریم.

> مگر متولی اصلی حفاظت از مراتع و جنگل، سازمانی غیر از سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری است؟ پس نقش سازمان و کارشناسان آن چیست؟ غیر از آن است که کارشناسانی به استخدام این سازمان درآمده‌اند تا مسائل را آسیب‌شناسی کنند؟

دامداران غیربومی از جنوب کشور به پایتخت آمدند

چرای مراتع تهران توسط دام‌های غیرمجاز

> ۷۰۰ رأس
> افراد غیربومی که از دشت‌های جنوبی استان تهران، قم و حتی استان فارس و خوزستان، گله‌های خود را برای چرا به این مراتع می‌آورند تا از این چراگاه‌ها استفاده کنند، بیش از ۷۰۰ رأس گوسفند دارند

یادداشت

شهلا منصوریه
خبرنگار

«روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲، گزارشی با تیتر «تخریب مراتع، زیر سم دام‌های غیربومی» منتشرشد که در آن با سه نفر از کارشناسان و استادان دانشگاه و رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان تهران گفت‌وگو کردیم. این گزارش نگاهی به دلایل بروز سیلاب همچون سیلاب سال گذشته امامزاده داوود داشت.

کارشناسان به دلایلی همچون وجود دام‌های غیرمجاز توسط افراد غیربومی، تغییر اقلیم، جابه‌جایی فصل‌ها، عدم نظم در پراکنش بارش و باران‌های سیل‌آسا اشاره کرده بودند. همچنین ذوب شدن یخچال‌های باستانی، سقوط سطح آب‌های سفره‌های زیرزمینی، تبدیل رودخانه‌های دائمی به فصلی و برداشت بی‌رویه انواع گیاهان دارویی وحشی و بومی که برنامه مشخصی برای مهار آنها وجود ندارد، از دیگر موارد بروز سیلاب، از نظر کارشناسان بود.

علی خالوئی، کارشناس منابع طبیعی کاشان در بخشی از یادداشت خود در نقد گزارش روزنامه، می‌نویسد: «از منظر فنی به‌علت ساختار ظاهری و ژئومورفولوژی مراتع، چرای دام‌های غیربومی، غیرممکن است، اینکه در این یادداشت «به دام‌های غیربومی» اشاره می‌شود، قطعاً منظور نویسنده «دام‌های غیرمجاز همان مرتع» است.» او حتی گفته است که «گمان نمی‌رود آسیب‌شناسی کارشناسی‌شان هم به انصاف و خرد نزدیک باشد!» همین نکته باعث تماس ما با علیرضا رحمتی، رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان شد تا مشخص شود آیا اصطلاح دام‌های غیر بومی آنطور که خالویی می‌نویسد: «نشان می‌دهد گزارش نوشته شده با موضوع بیگانه است و تناسب گفتاری کافی ندارند.» درست است یا خیر؟

اصطلاح دام‌های غیر بومی در گزارش توسط رحمتی عنوان می‌شود. البته که دام‌های غیر بومی دام غیر مجاز هستند. رحمتی در پاسخ به انتقاد واردشده درخصوص «چرای بی‌رویه دام و واگذاری ظرفیت دامی به غیربومیان» به «ایران» می‌گوید: جوامع محلی، از قبیل روستاهای سنگان، امامزاده داوود و روستاهای اطراف، دارای گله‌های ۵۰ الی ۱۰۰ رأسی هستند. اما افراد غیربومی که از دشت‌های جنوبی استان تهران، قم و حتی استان فارس و خوزستان، گله‌های خود را برای چرا به این مراتع می‌آورند تا از این چراگاه‌ها استفاده کنند، بیش از ۷۰۰ رأس گوسفند دارند.

به گفته رحمتی، این افراد غیربومی، پروانه چرای دام ندارند و غیرمجاز هستند. آنها با خودروهای نیسان گله‌های خود را در منطقه تخلیه می‌کنند و به جای عبور از منطقه، در این مراتع اتراق می‌کنند و ماندگار می‌شوند.

رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان تهران با بیان اینکه جوامع محلی در این زمینه مقاومت می‌کنند، می‌گوید: در روزهای گذشته چند گله دام که به این شکل به منطقه واریش و روستاهای اطراف وارد شده‌اند، شکایت بومیان و جامعه محلی را دربر داشته است. به گفته او، این‌گونه موارد را که این روزها زیاد است، پیگیری می‌کنیم. در آخرین مورد، گله‌ای که بیش از ۷۰۰ رأس گوسفند است، صورتجلسه‌ای تهیه و حکم دادستانی برای خروج گرفته‌ایم.

این مسئول با بیان اینکه تعداد این دام‌ها چندین برابر گله‌های اهالی و بومیان منطقه است، می‌گوید: فشار بیش از حد دام‌های غیرمجاز بر مراتع، موجب از بین رفتن اکوسیستم منطقه و پوشش گیاهی می‌شود که از تبعات جبران‌ناپذیر آن، تخریب و فرسایش خاک منطقه و بروز پدیده سیلاب است. به گفته رئیس محیط زیست استان تهران، تنش و چالش‌های اجتماعی نیز از دیگر عواقب آن است.

> فشار بیش از حد دام‌های غیرمجاز بر مراتع، موجب از بین رفتن اکوسیستم منطقه و پوشش گیاهی می‌شود که از تبعات جبران‌ناپذیر آن، تخریب و فرسایش خاک منطقه و بروز پدیده سیلاب است

به انصاف حکم برانید!

جوابیه

علی خالوئی
کارشناس منابع طبیعی کاشان

روزنامه ایران طی مصاحبه‌ای مورخ دهم اردیبهشت‌ماه، با سه نفر از استادان محترم دانشگاه به‌دنبال یافتن متهم یا متهمان اصلی در «تولید سیلاب» است.

یادداشت{گزارش} به گونه سؤال برانگیز تنظیم می‌شود و مقصر اصلی تخریب مراتع را سازمان منابع طبیعی می‌پندارد، البته با همکاری «شم‌های دام‌های غیربومی» بر سطح مراتع.

لازم به ذکر است، از منظر فنی به علت ساختار ظاهری و ژئومورفولوژی مراتع، چرای دام‌های غیربومی غیرممکن است. اینکه در این یادداشت «به دام‌های غیربومی» اشاره می‌شود، قطعاً منظور نویسنده «دام‌های غیرمجاز همان مرتع» است.

وقتی اجزای آن یادداشت آنقدر با موضوع بیگانه و تناسب گفتاری کافی ندارند، گمان نمی‌رود آسیب‌شناسی کارشناسی‌شان هم به انصاف و خرد نزدیک باشد!

مضحک می‌نمایاند، وقتی مراکز آموزش عالی منابع طبیعی، که لازم است مبدع راهکارهای نرم‌افزاری و رفع چالش‌های سخت‌افزاری باشد، چالاکی‌اش را از دست بدهد، فربه شود، توان مشارکت علمی، عملی و فنی‌اش کاهش یابد، دچار مقاله و مقاله‌نویسی شود، قطعاً نمی‌تواند در چالش‌های فراسازمانی چاره‌اندیشی یا رفع معضل کند.

پس بهتر است فرار روبه جلو کند و کل مشکلات را به دوش دیگری و آن‌هم چه سازمانی مظلوم‌تر از «سازمان منابع طبیعی»، بیندازد.

سازمان منابع طبیعی نیز قطعاً دچار نقایصی است، دچار روزمرگی‌هایی است، دچار بحران‌هایی است، نمی‌توان منکر کاستی‌ها شد، ولی کل تقصیر را هم نمی‌شود به گردنش انداخت، می‌شود؟!

خطاب اینجانب به‌عنوان یک کارشناس جزء منابع طبیعی شهرستان، به استادان بزرگوار است، مثنوی هفتاد من‌تان را خواندیم، مثنویی که سالیان سال است از زبان شما استادان محترم می‌شنویم و دم فرومی‌بریم که مبادا دردمان را همسایه‌مان خبردار شود!

استادان بزرگوار به جای آن همه تکرار مکررات چه خوب بود چند پاراگرافی پیشنهاد اجرایی می‌دادید و در حل این کلاف سردرگم در سال رفع چالش‌های تولید، خدمتی به مظلوم‌ترین اعضای چرخه تولید موادغذایی می‌کردید، تا هم به مراتع خدمت می‌کردید، هم به سازمان و هم به بهره‌برداران، که از قضا هر روز، روزگارشان دارد بد و بدتر می‌شود!

آیا وقت آن نرسیده بعد از چندین دهه مطالعه و بررسی نمونه‌های کشوری در این قاره و آن قاره، راهکاری اجرایی بدهید؟

جنابان آیا هیچگاه به عواقب روانی شکایت از یک چوپانی که با لباس‌های مندرس‌اش، جلوی میز قاضی حاضر می‌شود و قاضی نگاه کنجکاوانه می‌کند که چه شده دولت کارش به کجا کشیده که برای این بیچارگان اقامه دعوا می‌کند؟

جنابان آیا هیچگاه درد تعلیف پانصد رأس دام داشته‌اید که سحرگاهان برای تعلیف و چرا باید از آغل بیرون بیایند، تا کمرشان زیر بار خرید نهاده‌های دامی، کیلویی ۱۳ هزارتومان نشکند، آیا دچار بحران خشکسالی و کاهش شدید علوفه شده‌اید و از دست‌تان کاری بر نیاید؟!

جنابان، آیا هیچگاه با چک برگشتی یکساله فروش دام‌تان مواجه شده‌اید و دنیای‌تان جلوی چشم‌تان سیاه شده و از آن طرف دل و دماغی در همکاری طرح‌های تعادل دام و مرتع یا فروش مجدد نتایجتان داشته باشید؟

جنابان، آیا هیچگاه حال مرتعداری با چهار معلول جسمی و روانی را درک کرده‌اید وقتی توان تأمین نهاده‌های دامی را ندارد و مجبور به چرا در مرتع می‌شود و انصاف می‌دهید برایش در محکمه قضا، تشکیل پرونده بدهید؟

بله، شاید بفرمایید وظیفه سازمان منابع طبیعی، دامداری یا گوسفندداری نیست، بلکه طبق نص صریح قانون حفاظت و صیانت از مراتع است، ولی باور بفرمایید کارشناسان این سازمان یاد گرفته‌اند دیدشان، دید «حوزه جامع آبخیز» باشد، یعنی تمام اجزای یک مرتع را باهم ببینید، هم مرتعدار، هم مرتع، هم خانواده مرتع‌دار.

خوب می‌دانند نمی‌شود در اصلاح و احیای مراتع موفق شد وقتی مرتعدار آن مرتع دل در گرو همکاری نمی‌نهد.

خوب می‌دانند نمی‌شود محصولات فرعی مراتع را حفاظت کرد وقتی حال مرتعدارش خوب نباشد.

خوب می‌دانند حال مراتع وقتی خوب می‌شود که قبلاً حال مرتعدارانمان خوب شده باشد و این بهبودی حاصل نمی‌شود مگر با همیاری و مشارکت تمامی مراکز مدیریتی خارج از سازمان منابع طبیعی. جنابان اگر خوبش را بخواهید بدانید، مدیریت فعلی مراتع حاصل مدیریت دانش شماست، نه سازمان منابع طبیعی، وقتی مراکز علمی‌مان کمترین خروجی در مدیریت مرتع ندارند.

کمترین اقدام علمی و فنی در کاهش اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی نمی‌کند وقتی دست یاری سازمان را نمی‌گیرد.

وقتی در طرح‌های مشارکت مردمی بهره‌برداری از محصولات فرعی ایده ندارد.

وقتی در بیابان‌زدایی، راهکاری اجرایی نمی‌دهد و هرساله روند بیابان‌زایی کشور افزایشی می‌شود،

وقتی در اصلاح الگوی کشت و معرفی محصولات جایگزین، نتایج مشهودی از ایشان دیده نمی‌شود! وقتی در بازنگری قوانین قاچاق چوب و محصولات فرعی، تولید دانشی ندارد و دست سازمان منابع طبیعی و قوه مقننه را نمی‌گیرد و تولید قوانینی اصلاحی مشارکتی نمی‌کنند، می‌شود این.

آیا این شرط انصاف است تمام بار ناموفقیت‌ها را بر دوش سازمان منابع طبیعی بگذارید در حالی که بسیاری از منابع مالی را خود همین دانشگاه‌ها و اعضای محترم علمی‌شان در اختیار دارند؟

آیا شرط انصاف است کنار گود بنشینی در حالی که خودت یک‌پا، عضوی از داخل گود هستی و تمام شکست‌ها را به گردن کارشناسانی بیندازی که در تمام طول سال در گرما و سرما، جان و روان خود را در راه حفاظت و صیانت از جنگل‌ها و مراتع کشور می‌گذارند و به طور میانگین دریافت مزایای‌شان یک پنجم استادان دانشگاهی است. جانبازی‌ها و شهدای این بخش مدعای این ادعاست. به زعم اینجانب، قطعاً عدم همکاری علمی دانشگاه و دانشگاهیان با سازمان منابع طبیعی به همان اندازه در مدیریت فعلی نقش‌آفرینی دارد که سازمان منابع طبیعی. جنابان موضوع دام مازاد، چرای بی‌رویه، چرای خارج از فصل را چه کسی است که نداند! فرزندان بهره‌برداران هم خوب می‌دانند، شاید که خیر، قطعاً بهتر از ما و شما!

مراکز آموزشی کدام نقش مؤثر و راهکار علمی و مطالعاتی در حل چالش خارج کردن «نُتاج دام» مرتعداران از مرتع را داده‌اند وقتی بازارهای عرضه و تقاضا به شدت نامتوازن شده بود؟

کدام جامعه‌شناس و مطالعه جامعه‌شناسی دست یاری به سوی مرتعداران دراز کرد و به بررسی چالش‌های مرتع، بازار سرمایه و واردات و صادرات پرداخت وقتی بازار دام به شدت متلاطم بود؟

کدام مراجع دانشگاهی اقتصاد و روان‌شناسی دست یاری در مسائل خرد و کلان به سوی مرتعداران دراز کردند، وقتی مرتعداران‌مان توان و راهکار دریافت هیچ‌گونه تسهیلات بانکی را نداشتند؟

جنابان مسائل مرتع فقط دام نیست، فقط چرا نیست، فقط فرسایش و خاک و سیلاب نیست، فقط سازمان منابع طبیعی نیست، نقش مدیریتی مسائل اجتماعی بسیار فراتر از چند دام به اصطلاح جنابتان «دام مازاد» است. آنجا که برای رقابت بهره‌برداری از مراتع، بهره‌بردارانش دست به سلاح جنگی می‌شوند!

کجا و کدام راهکار برای حل چالش‌های اجتماعی و امنیتی مرتعداران ارائه کردید؟

جنابان چه خوب بود مقایسه مابین هزینه‌های اصلاح و احیای مراتع و اعتبارات تحقیق و پژوهش دانشگاه نیز می‌داشتید تا مشخص شود که سازمان منابع طبیعی که سهل است، اگر کل مجموعه مرتبط با مدیریت منابع حیاتی کشور نیز جمع می‌شدند نمی‌شد با رقم ۱۴۵۰ ریال تخصیصی برای هر هکتار، گلی بهتر از این بر سر مراتع و مرتعداری کشور زد چه رسد به بهبود حال و روزگار مرتعداران که تا حال آنها خوب نشود، بهبودی حال مراتع انتظاری است بس بیهوده و عبث.

در شهرستان ما سازمان محیط زیست یک ششم مساحت عرصه‌های ملی و مرتعی را در اختیار دارد، لطفاً با کنکاشی ساده عملکرد دو سازمان را با هم مقایسه بفرمایید تا در اظهارات کارشناسی آینده‌تان، قدری انصاف را بیشتر چاشنی نظرات‌تان بفرمایید.

خبر در خبر

ایرنا فاروق سلیمانی، رئیس اداره حفاظت محیط زیست مهاباد گفت: متخلفان چهار هزار مترمربع از تالاب بین‌المللی کانی برازان این شهرستان را تخریب کردند.

مهر علی دارابی، قائم مقام وزیر میراث فرهنگی گفت: شاهنامه پیش از آن که اسطوره‌ای و تاریخی باشد، بزرگترین نماد فرهنگی در تحلیل ویژگی‌های فرهنگی ملیت ایرانی و شاهکاری هنری، ادبی و فلسفی است.

ایسنا عباسعلی نوبخت، رئیس سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور اظهار کرد: سامانه پنجره واحد زمین مسائل مربوط به زمین‌خواری و تغییر کاربری و تخلفات را پایش و به دستگاه‌ها ابلاغ می‌کند.

ایرنا علی سالاروند، مدیرکل حفاظت محیط زیست لرستان گفت: با گذشت سال‌ها دوری از زیستگاه و خاستگاه اصلی گوزن زرد ایرانی، اولین گوساله این گونه در دامنه‌های یافته کوه خرم آباد متولد شد.

ایرنا سپهر زارعی، سرپرست معاونت میراث فرهنگی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی هرمزگان گفت: آثار سفالی متعلق به هزاره نخست پیش از میلاد (دوره اشکانیان) توسط اهالی محلی در شهرستان رودان هرمزگان کشف و تحویل این اداره‌کل شد.

ایسنا نصرالله ابراهیمی، معاون میراث‌فرهنگی استان بوشهر گفت: برنامه تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه تاریخی تل تهماچی در بندر دیلم با صدور مجوز از پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و پژوهشکده باستان‌شناسی کشور آغاز شده است.

ایرنا نرگس بهشاد، سرپرست اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اردستان گفت: از ابتدای دولت سیزدهم تاکنون با سرمایه‌گذاری ۲۵ میلیارد تومان در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری اردستان برای ۳۰ نفر به طور مستقیم شغل ایجاد شده است.

مهر احمد محیط طباطبایی، رئیس ایکوم ایران گفت: به تازگی انجمن حقوق میراث فرهنگی تشکیل شده و قرار است نشستی درباره حقوق میراث فرهنگی و لایحه پیش نویس اختیارات حوزه وزارت میراث فرهنگی برگزار کند.

ایرنا علیرضا ارجمندی، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان قم با اشاره به اینکه چندین طرح گردشگری در شهرستان کهک قم در حال ساخت است، گفت: با بهره‌برداری از این طرح‌ها برای ۳۲۰ نفر اشتغال ایجاد می‌شود.

ایرنا علیرضا ایزدی، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان گفت: موضوع فعالیت معدنی در جوار آتشکده نیاسر از نظر حقوقی پیگیری شده است و در صورت انجام عملیات انفجار در این معدن، به دلیل تهدید منظر تاریخی و طبیعی آتشکده، چاره‌ای بجز تعطیلی معدن وجود ندارد.